

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۲۷

جمعه ۱۱ مرداد ۱۳۹۸، ۲ اوت ۲۰۱۹

### شنبه ۱۲ مرداد روز دادگاه

### اسماعیل بخشی و سپیده قلیان است خانواده هایشان را همراهی کنید (اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران)

روز شنبه ۱۲ مرداد قرار است اسماعیل بخشی رهبر کارگران هفت تپه، علی نجاتی، و سپیده قلیان و نویسندگان نشریه گام، که در ارتباط با اعتراض کارگران هفت تپه دستگیر شده اند، در بیدادگاه حکومت اسلامی در تهران محاکمه شوند. این نمایش جنایتکارانه به ریاست قاضی جنایتکار مقیسه در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران واقع در خیابان فیاض بخش تهران برگزار خواهد شد. قرار است همزمان با برگزاری این بیدادگاه، خانواده ها و دوستان آنها در آنجا تجمع کنند و به دادگاهی شدن عزیزانشان اعتراض کنند. وکلای این زندانیان خواسته اند که دادگاه علنی برگزار شود تا جامعه بدانند که اینها چه کرده اند و حکومت با آنها چه رفتاری کرده است. اما حکومت تصمیم دارد بیدادگاه خود را

حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۰ مرداد ۱۳۹۸،

۱ اوت ۲۰۱۹

### وکلاي دستگیر شدگان هفت تپه:

### دادگاهتان را علنی برگزار کنید

(اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران)

صفحه ۸

کارگران در هفته ای که گذشت:

### همبستگی گسترده جهانی در برابر سرکوبگریهای رژیم اسلامی شهلا دانشفر

صفحه ۲

### کومله در پله آخر منطقه گرائی

حمید تقوایی

صفحه ۴

### اوضاع سیاسی و احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان مصاحبه ایسکرا با نسان نودینیان

صفحه ۶

### خالی شدن نماز جمعه ها ؛ رژیم قدرت بسیج خودی ها را هم ندارد خلیل کیوان

صفحه ۷

### جنایتکاران آرامش نخواهند داشت حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

### کارزار جهانی علیه جمع آوری خشونت آمیز کودکان کار و نگهداری آنها در شرایط غیرانسانی کمپین برای آزادی کارگران زندانی ( Free Them Now ) نهاد کودکان مقدمند (Children First Now)

صفحه ۱۰

### زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

انسانی و آزاد و برابر را پی خواهیم ریخت.

زنده باد آزادی، برابری،

حکومت کارگری!

حزب کمونیست

کارگری ایران

و شرط عقیده و بیان و شکل، برای همیشه به دوران زندان و زندانهای سیاسی پایان خواهد داد. با سرنگونی توحش اسلامی سرمایه داران، عزیزان در بند را از چنگ دژخیمان رها خواهیم کرد و جامعه ای

دیکتاتورها از آزادی اندیشه وحشت دارند. زیرا پاسدار سلطه اقلیت چپاولگر بر اکثریت مردمند. اولین گام انقلاب مردم در همه جا گشودن در زندانهاست. انقلابی که در ایران آغاز شده با اعلام قانون آزادی بی قید

صفحه ۸

## همبستگی گسترده جهانی در برابر سرکوبگرهای رژیم اسلامی



شهلا دانشفر

"شبکه سندیکایی جهانی همبستگی و مبارز" متشکل از هشتاد سندیکا و تشکل کارگری، طی نامه ای حمایتی خطاب به مقامات حکومتی ایران بازداشت و آزار و اذیت بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و زندانیان هفت تپه را محکوم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان شد. "شبکه سندیکایی جهانی همبستگی و مبارز" در نامه حمایتی خود به دستگیری های روز جهانی کارگر و ادامه بازداشت ۴ نفر از آنان ندا ناجی، آیشا اسداللهی، عاطفه رنگریز و مرضیه امیری، به ادامه پیگرد دیگر دستگیرشدگان اول مه که بطور موقت با قید وثیقه آزاد شده اند و احضار آنان به دادگاه اعتراض کرده است. در این نامه همچنین به فشارهای درون زندان به این دستگیرشدگان و محرومیت آنان از دسترسی به وکیل و قرار دادن آنان در سلولهای انفرادی و بعد نیز ضرب و شتم ندا ناجی و انتقال او و عاطفه رنگریز به بند ویژه زندانیان جرائم عادی اعتراض شده است.

بخش دیگر نامه حمایتی "شبکه سندیکایی جهانی همبستگی و مبارز" به بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه اختصاص دارد. در این بخش از نامه این نهاد کارگری با اشاره به اعتصاب غذای ساناز الله یاری و امیرحسین محمدی فرد در اعتراض به پیگرد و تداوم بازداشتشان، اعتراض خود را به ادامه بازداشت خودسرانه آنان از ژانویه ۲۰۱۹، به عدم

بگذارد. ما قویا خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری همه سندیکالیست‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالین زندانی هستیم." ترجمه و بازنشر متن کامل این نامه را میتوانید در گروه تلگرامی سندیکای واحد مشاهده کنید.

همچنین در این هفته دو اتحادیه کارگری یونیفور در کانادا و کانلوتا-سی اس پی (اتحادیه کارگری و مردمی برزیل) در همبستگی با بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و اول ماه مه و کارگران زندانی در ایران پیام همبستگی داده اند. در بخشی از پیام همبستگی اتحادیه کارگری یونیفور چنین آمده است: "به نمایندگی از طرف یونیفور، بزرگترین اتحادیه کارگران بخش خصوصی کانادا با بیش از ۳۱۵ هزار عضو، نگرانی خود را از دستگیری مجدد و زندانی کردن خانم آیشا اسداللهی و ادامه حبس سه زن دیگر، عاطفه رنگریز، ندا ناجی و مرضیه امیری، اعلام می کنیم." در نامه همبستگی این اتحادیه کارگری به سرکوبگری های حکومت اسلامی در قبال اعتراضات کارگری که بعضا مواردی از تهدید جانی برای فعالین کارگری و بازداشت شدگان را در بر داشته است اشاره کرده است. در این نامه از جمله به دستگیرهای اول مه و ادامه بازداشت ها و فشارهای درون زندان بر روی دستگیر شدگان، به تعقیب قضایی افرادی از سندیکای واحد، به ادامه بازداشت اسماعیل بخشی، نماینده کارگران و عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و روزنامه نگاران مستقل و مدافع حقوق کارگران سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیر

امیرقلی، امیرحسین محمدی فرد، اشاره شده است. در خاتمه این اتحادیه در نامه حمایتی خود با خواست پایان یافتن تعرضات جمهوری اسلامی به کارگران و مردم ایران و آزادی فوری تمامی بازداشت شدگان بر پیوستن خود به حمایت های جهانی علیه این سرکوبگری ها تاکید کرده و مینویسد: "کارگران حق دارند از شرایط مناسب شغلی، آزادی تشکل، مذاکرات جمعی منصفانه و بدون هیچگونه آزار و اذیت، ارباب، تهدید و خشونت برخوردار باشند. ما به بسیاری از اتحادیه های کارگری جهانی از جمله اینداستریال، یونی، آی تی اف و بسیاری دیگری پیوندیم و هدف قرار دادن و بد رفتاری با فعالین کارگری و مدافعین حقوق انسانی را محکوم می کنیم و با جنش کارگری در ایران همبستگی خود را اعلام می نماییم." رونوشت این نامه به محمد السدی، مدیر بخش بین المللی و عدالت اجتماعی یونیفور ارسال شده است.

نامه حمایتی دیگر از کارگران ایران خطاب به خامنه ای و نهاد قوه قضاییه جمهوری اسلامی و شورای عالی حقوق بشر از سوی کانلوتا-سی اس پی (اتحادیه کارگری و مردمی برزیل) است. این اتحادیه تحت عنوان "درخواست در مورد زندانیان سیاسی" اعتراض خود را به تداوم بازداشت دستگیر شدگان اول مه و نیشکر هفت تپه اعلام کرده و خواستار آزادی فوری آنان و پایان دادن به پیگردهای قضایی رژیم اسلامی شده است. دو بند دیگر مورد تاکید در این نامه در محکومیت اقدامات سرکوبگرانه علیه سندیکای واحد بخاطر

مبارزاتشان و نیز تاکید بر حق تجمع، حق اعتصاب و حق تشکیل آزاده اتحادیه ها و سازمانهای کارگری است. در بخش پایانی این بیانیه چنین آمده است: "ما همچنین آگاهیم که ایران زیر بار فشار تحریمهای غیرقانونی آمریکا است و این باعث تضعیف اقتصاد ایران و بدتر شدن شرایط زندگی کارگران شده است. ما معتقدیم که این بازداشتها و پیگردهای قضایی همراستا با این تحریمهای جنایتکارانه در ضدیت با مردم ایران عمل می کنند."

علاوه بر حمایت های بین المللی کارزار برای آزادی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه و دستگیر شدگان اول مه در داخل ایران با قدرت به جلو میروند. از جمله امضای طومارهای اعتراضی در همبستگی با آنها ادامه دارد. علاوه بر بیانیه های حمایتی تشکلهای مختلف کارگری در حمایت از آنان، در هر هفته کارگران و فعالین اجتماعی به اشکال مختلف همبستگی خود را با آنان اعلام میکنند. برای مثال در روز ۴ مرداد تعدادی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران که در همبستگی با جعفر عظیم زاده رییس هیات مدیره این اتحادیه با خانواده او دیدار داشتند و خواستار آزادی وی و تمامی فعالین کارگری و اجتماعی در بند و رفع اتهامات امنیتی آنان شدند. شرکت کنندگان در این دیدار از جمله بر آزادی بی قید و شرط و فوری بازداشت شدگان اول ماه مه تاکید کرده و ادامه پیگرد شرکت کنندگان در تجمع روز جهانی کارگر را محکوم نمودند. همچنین در روز ۸ مرداد گروهی از کارگران و فعالین

از صفحه ۲

## همبستگی گسترده جهانی در برابر سرکوبگریهای رژیم اسلامی

کارگری در سندج با برپایی گلگشت و بدست گرفتن عکس بازداشت شدگان هفت تپه و اول مه همبستگی خود را با آنان اعلام کردند.

کارزار برای آزادی بازداشت شدگان هفت تپه و اول ماه مه، کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات و برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی، کارزارهای جامعه علیه سرکوبگریهای حکومت اسلامی است. با چنین کارزارهایی کارگران و مردم معترض در برابر سرکوبگری های حکومت ایستاده اند و از حقوق پایه ای خود چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و حق برگزاری مراسم روز جهانی کارگر به عنوان حقوق مسلم همه کارگران و مردم دفاع میکنند. باید وسیعاً به این کارزارها پیوست. به پاس حمایتی جهانی می‌خواهیم اعتصاب غذا را پایان دهید

سپیده قلیان از دوم مرداد ماه در اعتصاب غذا بسر میبرد. امیر حسین محمدی فرد و ساناز الله یاری نیز از روز ۱۳ تیر ماه در اعتراض به عدم تبدیل قرار بازداشتشان به وثیقه و عدم دست یابی ساناز به خدمات پزشکی در اعتصاب غذا هستند. سپیده قلیان در رابطه با اعتصاب غذایش اعلام کرد که پیام

اعتصاب آنها هماهنگی و همفکری علیه ظلمی است که بر زندانیان سیاسی و خانواده های آنها روا داشته می‌شود. سخن من به این عزیزان اینست که پیام شما را جهانیان شنیدند. امروز صفتی از آزادیخواهی و انسانیت در کنار شما هستند، به پاس حمایتی جهانی از شما می‌خواهیم به اعتصاب غذای خود خاتمه دهید. ما به سهم خود میکوشیم صدای شما در سطح جهان باشیم.

دادگاه سپیده قلیان و اسماعیل بخشی باید علنی برگزار شود  
فرزانه زیلابی و سید جمال الدین حیدری منش وکلای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان درخواست دارند که برای موکلینشان دادگاه علنی برگزار شود. در بخشی از نامه سرگشاده آنها با استناد به قوانین خود جمهوری اسلامی چنین آمده است: "از آنجا که قبلاً برنامه تلویزیونی و یک سوبیه طراحی سوخته از تلویزیون پخش شده و اتهامات فراوانی به موکلین نسبت داده است؛ به جهت تنویر افکار عمومی و نظارت جامعه بر روند دادرسی، خواهان برگزاری علنی جلسه محاکمه هستیم تا حداقل خبرنگاران اجازه حضور در جلسه را داشته و آحاد جامعه در جریان رسیدگی دادگاه قرار گیرند." و این درخواست اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بود هنگامیکه نمایش مهندسی شده طراحی سوخته از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش شد.  
اسماعیل بخشی رهبر

محبوب کارگران نیشکر هفت تپه، سپیده قلیان که در کنار اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان ایستاد و امروز صدای اعتراض زندانیان علیه ظلم و بیحرمتی در زندان است و امیر امیر قلی، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الله یاری از اعضای نشریه گام که به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه در زندانند، از دیماه تا کنون در بازداشت بسر میبرند. دادگاه آنان و دو متهم دیگر این پرونده علی نجاتی عضو سندیکای نیشکر هفت تپه که به جرم دست داشتن در اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه تحت پیگرد است و عسل محمدی عضو دیگر نشریه گام در روز ۱۲ مرداد بر پا میشود. جمهوری اسلامی همه آنها را با اتهامات سنگین امنیتی در زندان نگاهداشته و میخواهد به محاکمه بکشد. تمامی این بازداشت‌ها، احضار کردنها و بازپرسی‌ها اجزایی از پرونده سازی های کذابی حکومت و تکمیل مستند "مقتضخانه" طراحی سوخته "اش، علیه اسماعیل بخشی و علیه مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه صورت گرفته است. کارزار حمایت از بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه، کارزار صف آزادیخواهی و برابری طلبی است که در برابر این تعرضات ایستاده است و دستاوردهایش را ارج میگذارد. اسماعیل بخشی صرفاً یک فرد نیست. بلکه او نماینده جنبشی است که با مبارزات جانانه کارگران نیشکر هفت تپه سر بلند کرد و دارد هر روزه در کف خیابان سرمایه داری حاکم را با کل

بساط سرکوب و شکنجه و چپاول و غارتش به چالش میکشد. این جنبشی است که آلترناتیو شواربی اداره شواربی است. به زندان کشیدن اسماعیل بخشی و سپیده قلیان ها این جنبش را نمیتواند عقب زد. امروز این جنبش است که فریاد اعتراض علیه بیدادگاههای حکومت بلند شده و خواستار برگزاری دادگاههای علنی است. نمونه اش طومار اعتراضی صفی از معلمان با این خواست است. دادگاه اسماعیل بخشی و تمامی بازداشت شدگان نیشکر هفت تپه باید علنی برگزار شود.

معلمان در تدارک تجمعات سراسری  
معلمان شاغل و بازنشسته در ۹ استان تهران، البرز، اصفهان، آذربایجان شرقی (تبریز)، آذربایجان غربی (ارومیه)، گیلان (رشت)، خوزستان (اهواز)، کردستان (سندج + میروان) و کرمانشاه (کرمانشاه) برای ساعت ده صبح روز ۱۴ مرداد فراخوان به تجمع در مقابل مراکز آموزش و پرورش را داده اند. آزادی معلمان زندانی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات یک خواست فوری آنهاست. علاوه بر آن معلمان بر تحصیل رایگان برای همه کودکان و پایان دادن به کالای شدن آموزش و لغو مدارس خصوصی تاکید داشته و در همین راستا هم اکنون کارزاری با عنوان "شهریه ندهید" در جریان است که خانواده دانش آموزان و تمامی مردم را مورد خطاب قرار داده است. بعلاوه

معلمان بر افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۷ میلیونی و درمان رایگان تاکید کرده و خواستار یک زندگی انسانی هستند. معلمان با مبارزاتشان نقش برجسته ای در جلو آوردن این مطالبات در صدر خواستههای کل جامعه و اعتراض علیه شکاف عظیم طبقاتی و حقوقهای نجومی، علیه دزدی ها و اختلاس ها و علیه سرکوبگری های حکومت داشته اند. از خواستها و مبارزات آنان وسیعاً حمایت و پشتیبانی کنیم.

در عین حال معلمان با سازمانیابی در گروههای تلگرافی و در تشکلهایشان و برگزاری اعتصابات و تجمعات موفق سراسری راهنمای خوبی برای همه مردم هستند. از درستها و تجارب آنها باید آموخت. در اعتراض به کالایی شدن آموزش و در دفاع از حق کودکانمان برای برخورداری از حق تحصیل رایگان و با کیفیت در مدارس امن و شاد و انسانی، در اعتراض به شکاف عظیم طبقاتی در سطح جامعه و برای داشتن زندگی ای انسانی، در اعتراض به امنیتی کردن مبارزات و با خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی، معلمان در بند و همه زندانیان سیاسی و برای جلوتر آوردن خواستههای سراسری ای چون درمان رایگان و ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن همصدا با معلمان در تجمعات روز ۱۴ مرداد شرکت کنیم.\*

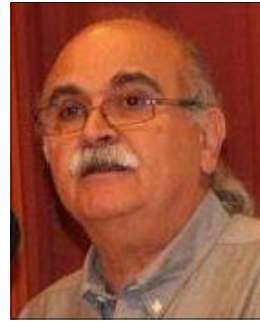
# زنده باد همبستگی بین المللی کارگری!

## کومله در پله آخر منطقه گرائی

در برخورد به مساله مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی کومله سیاست کجدار و مریز و توجیه گرانه ای را در پیش گرفته است. ابراهیم علیزاده در آخرین مصاحبه اش در این باره، با توجیهاتی نظیر اینکه؛ مذاکره با جمهوری اسلامی اصولاً مردود نیست، کارگران و مردم هم در اعتراضاتشان با رژیم مذاکره میکنند، ما پیش شرطهایی برای مذاکره عنوان کرده ایم و غیره تلاش میکند که به نوعی مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با رژیم را موجه جلوه بدهد.

این صرفاً یک موضعگیری تاکتیکی - دیپلماتیک نیست. مشکل کومه له صرفاً این نیست که از این مذاکرات مطلع بوده است و آنرا از مردم و حتی از بدنه تشکیلات خودش مخفی نگاهداشته است، مشکلش حتی صرفاً این نیست که خود از طریق یک نیروی میانجی در تدارک ملاقات و مذاکره با جمهوری اسلامی بوده است. اگر مساله همین بود میشد آنرا به حساب یک لغزش تاکتیکی و یا اشتباه محاسبه گذاشت و امیدوار بود چنین اشتباهی تکرار نشود. بسیاری از منتقدین این موضع گیری کومله به همین سطح بسنده کرده اند. اما چنین نقدی اساس مساله را توضیح نمیدهد.

واقعیت اینست که کومله از نظر جهتگیری و خط و افق عمومی در چهارچوب جنبش ناسیونالیسم کرد و در نقش جناح چپ آن عمل میکند. مساله مذاکره با جمهوری اسلامی را باید در امتداد تشکیل کمیته دیپلماسی مشترک با احزاب اسلامی



حمید تقوایی

ناسیونالیستی که حدود دو ماه قبل افشا شد، شرکت در کنگره ملی کرد، رتوش و حذف منصور حکمت و اتحاد مبارزان کمونیست از تاریخچه حزب کمونیست ایران، برخورد مصلحت جویانه با ناسیونالیسم عریان و افراطی ای که بوسیله عبدالله مهددی نمایندگی میشود و غیره قرار داد. اینها اشتباهات و راست روی های مقطعی و تاکتیکی نیست بلکه بیانگر یک خط و سیاست منسجم برای اسباب کشی تمام و کمال به اردوگاه ناسیونالیسم کرد است.

در مقطع جدائی ناسیونالیستها از کومله زیر پرچم عبدالله مهددی که نفرت پراکنی علیه منصور حکمت و کمونیسم کارگری را نمایندگی میکرد، منصور حکمت هشدار داد که کومه له اگر نخواهد تماماً به منجلا ب ناسیونالیسم فرو برود باید در برابر نفرت پراکنی علیه کمونیسم کارگری بایستد و از سابقه حزب کمونیست ایران در دوره قبل از جدائی با سرفراشته دفاع کند.

متأسفانه کومله مسیر معکوس را پیمود. روایت تماماً جعلی و خودساخته ابراهیم علیزاده از تاریخچه حزب کمونیست ایران منهای منصور حکمت و مارکسیسم انقلابی، که حدود ۵ سال قبل در سخنرانی در دانشگاه سلیمانیه مطرح کرد، نشانه تداوم خط

ناسیونالیستی عبدالله مهددی در کومله بود. عبدالله مهددی صفوف حزب کمونیست ایران را ترک کرد ولی خط او بجا ماند و تا امروز ادامه یافته است. امروز دو سازمان کومله زحمتکش عبدالله مهددی و عمر ایلخانی زاده وارد مذاکره با جمهوری اسلامی شده اند و کومله نیز در صف ایستاده است.

در نگاه اول ممکن است اینطور به نظر برسد که حسابگریهای پراگماتیستی برای ماندن در منطقه و اردوگاه داری زیر سایه احزاب حاکم در کردستان عراق، که روابط حسنه ای با جمهوری اسلامی دارند، و نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه، کومله را وادار کرده است به چنین موضعی در بغلطد. این بخشی از واقعیت هست ولی اساس مساله این نیست.

تا آنجا که به مساله حفظ اردوگاهها مربوط میشود باید یادآوری کنم در مقطع جدائی از حزب کمونیست ایران یک مجادله بر سر همین باقی ماندن در منطقه بود. منصور حکمت معتقد بود بعد از جنگ خلیج باقیماندن رهبری حزب کمونیست ایران در منطقه محدودیتهای غیر قابل قبولی را به ما تحمیل خواهد کرد و از همین رو خواهان انتقال رهبری حزب و کومله به اروپا بود. در مقابل ابراهیم علیزاده و همفکرانش به باقی ماندن در منطقه پا فشاری میکردند و حاصل این پافشاری را امروز میبینیم.

اما ریشه مساله این نیست. این نوع منطقه گرائی خود نتیجه ناسیونالیسمی است که از اردوگاه داری و حسابگریهای پراگماتیستی بسیار فراتر میروند. واقعیت آنست که امروز نه ناسیونالیسم کرد و نه کمونیسم در موقعیت جنگ

خلیج و یا حتی تهاجم به عراق در ۲۰۰۳ نیستند. نیروهای ناسیونالیست کرد در هر چهار پارچه، بدنبال تحولاتی که در دو دهه اخیر در منطقه رخ داد، عملاً به ابزار و آلت دست دولتهای منطقه در جنگ قدرت تبدیل شده اند. تاکتیک سنتی "استفاده از شکافهای منطقه ای" بعد از تشکیل دولت اقلیمی به استراتژی نیروهای ناسیونالیستی تبدیل شد. در سطح نظری نیز برای اولین بار ناسیونالیسم کرد در اوجالان و آپوئیسم تئوری و تئوریسین ملی خودش را پیدا کرد. تئوری ای که بازی در شکافهای و رقابتهای و تخصصات موجود بین دولتهای منطقه را با تز نفی دولت - ملت و نفی مبارزه برای سرنگونی دولتها تئوریزه میکرد. تجربه سوریه، جنگ کوبانی و خودگردانی در کانتونها، نه صرفاً به آپوئیسم بلکه به بند و بست و ساخت و پاخت با دولت مرکزی، در نزد ناسیونالیستها اعتبار بیشتری داد. ناسیونالیسم سنتی "ملل تحت ستم"، که در دوره جنگ سرد استراتژی خودمختاری و تحقق حق تعیین سرنوشت از طریق اتکا به اردوگاه شوری را دنبال میکرد، حدود یک دهه بعد از فروپاشی دیوار برلین تماماً فرو ریخت و هم از لحاظ نظری و هم در عمل، در تئوری و در پراتیک، تماماً موضوعیت خود را از دست داد. تا آنجا که به ناسیونالیسم کرد مربوط میشود آپوئیسم این خلاء را پرکرد.

شرایط پس از جنگ سرد تاریخ کمونیسم سنتی قرن بیستمی را نیز پایان رساند. کمونیسم کارگری اساساً با نقد کمونیسم سنتی سر بلند کرد و در برابر "نظم نوین جهانی" بورژوازی افسار گسیخته

ایستاد. نگرش و خط سیاسی و مواضع کمونیسم کارگری در برخورد به بسیاری از مسائل، از جمله ستم ملی و مساله ملی، از چپ سنتی کاملاً متفاوت بود. منصور حکمت با نقد حق تعیین سرنوشت و خودمختاری و فدرالیسم به استقبال مقابله با ناسیونالیسمی رفت که امروز در عراق و ترکیه و سوریه سر بلند کرده است و آشخور نظری اش را اساساً آپوئیسم تشکیل میدهد.

پژاک و کودار نماینده آپوئیسم در ایران هستند اما احزاب سنتی ناسیونالیستی نیز عملاً همین خط را دنبال میکنند. مساله صرفاً نفوذ نظری اوجالان نیست، بلکه عامل مهمتر تجربه ظاهراً "موفق" احزاب ناسیونالیست کرد عراق و سوریه و حساب باز کردن روی دولتهای منطقه، و شرکت در بلوکبندی متشکل از دو قطب آمریکا و روسیه در منطقه است.

در دستور قرار گرفتن مذاکره با جمهوری اسلامی اساساً در این چهارچوب مطرح میشود و برای احزاب و نیروهای ناسیونالیست موضوعیت پیدا میکند. کومله هم در همین زمین بازی میکند. تمام تاکیدات ابراهیم علیزاده د مبنی بر دخالتگر بودن و اجتماعی بودن و مسئول بودن در برابر مردم کردستان و غیره روایت ظاهراً چپ و ناشیانه ای از همان بازیها و جست و خیزهای سنتی نیروهای ناسیونالیست کرد در شکاف بین دولتها است. امروز دیگر این شکافها منطقه ای باقی نمانده است بلکه بعد از جنگ خلیج، بویژه بدنبال تهاجم ۲۰۰۳ به عراق، ابعادی جهانی یافته است. امروز علاوه بر دولتهای "چهار پارچه"، آمریکا و روسیه و ادامه در صفحه ۵

## اوضاع سیاسی و احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان مصاحبه ایسکرا با نسان نودینیان



کردستان بدنبال بند و بست و پادوی با جمهوری اسلامی بوده است. پیام لییک قاسملو به خمینی جنایتکار در سال ۱۳۵۸ در تاریخ سیاسی - مبارزاتی مردم کردستان بعنوان کارنامه ای سیاه و در پیروزی این حزب برای جمهوری اسلامی، ثبت شده است. حزب دمکرات کردستان در ۴ دهه گذشته با فرماندهان و عناصر جنایتکار حکومت اسلامی در ارتباط بوده. اینروزها که افتضاح سیاسی نشست اینها گرم شده تعدادی از اعضای قدیم کمیته مرکزی هایشان روابط چند ساله و ارتباط با جمهوری اسلامی را افشا کرده اند. دبیر اول حزب دمکرات کردستان "خالد عزیزی" بارها اعلام کرده که حزب متبوعش سرنگونی طلب نیست و خواهان بند و بست بوده است. جعبه و یا دیسک سیاه عبدالله مهتدی و ارتباط او با تعدادی از عناصر جمهوری اسلامی در سوریه در یکی از کنگره های کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) افشا و تبدیل به رسوایی سیاسی - تشکیلاتی او شد.

**ایسکرا:** سوال محوری برای کارگران و مردم در شرایط کنونی درسهایی است که با علنی شدن بند و بست با جمهوری اسلامی باید از آن گرفت! به نظر شما این درسهها و تجارب کدامها هستند؟

**نسان نودینیان:** اولین درس مهم این است که ما احزاب ناسیونالیست و توطئه مشترک آنها با جمهوری اسلامی را بر بستر موقعیت گرایش ناسیونالیستی در

نزدیک به یک ماه از علنی شدن "نشست" نمایندگان "مرکز همکاری احزاب کردستان" یعنی حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، دو سازمان زحمتکشان (مهتدی و ایلخانی زاده) با جمهوری اسلامی میگذرد. در این مدت مواضع سیاسی احزاب در کردستان چپ و راست در دسترس مردم قرار گرفته است. به منظور مروری کوتاه به آنچه گذشت و آخرین تحولات با نسان نودینیان مصاحبه میکنیم.

**ایسکرا:** آخرین تحولات و مواضع "مرکز همکاری احزاب کردستان"، مروری بر مواضع کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و عکس العمل نیروهای چپ و کمونیست و مردم در داخل کشور و خارج از کشور، کارگران و ناسیونالیسم کرد و چه باید کرد موضوع چند سوال است.

از آخرین تحولات و مواضع "مرکز همکاری احزاب کردستان"، شروع میکنیم! **نسان نودینیان:** ارتباط "مرکز همکاری احزاب کردستان" با جمهوری اسلامی ادامه دارد. قرار است در ماه آینده این احزاب با جمهوری اسلامی نشست ها را ادامه دهند. آنچه امروز ما در ارتباط با بند و بست این احزاب با جمهوری اسلامی شاهدش هستیم تازه نیست. در ۴ دهه گذشته و با اعمال حاکمیت خودگمارده جمهوری اسلامی در کردستان حزب دمکرات

از صفحه ۴

## کومله در پله آخر منطقه گرائی

عربستان سعودی و نیروهای اسلامی نیز مستقیم و غیر مستقیم در این بازی دخیل اند. بدنبال همین خط و استراتژی است که ناسیونالیسم منشعب از کومه له، دو حزب زحمتکشان عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده، تا کاخ سفید به پیش رفته اند.

برای کومه له نیز مطرح شدن و جا باز کردن مذاکرات با جمهوری اسلامی و توجیهاتش در این مورد در یک سطح پایه ای در نگرش و افق و فضای سیاسی ای ریشه دارد که تجربه عراق و سوریه و کردایتی و منطقه گرائی نوع اوجلالانی در منطقه ایجاد کرده است.

اما شرایط سیاسی ایران اساسا و کیفیتا از شرایط سوریه و ترکیه و عراق متفاوت است. در ایران آپوئیسم عملا بجز تبدیل شدن به زائده جمهوری اسلامی و حداکثر کسب موقعیتی شبیه نیروهای دو خردادی و استحاله چی، معنائی ندارد. ایران سوریه و عراق نیست که ناسیونالیستهای کرد بتوانند حسابشان را از مبارزه دیگر بخشهای جامعه جدا کنند و با بند و بست با دولت مرکزی سهمی در قدرت مناطق کردنشین بدست بیاورند.

مبارزه مردم، کارگران و زنان و جوانان و دیگر بخشهای متعرض جامعه چنان با مبارزات سراسری مردم ایران بهم تنیده است که هر نوع تلاشی برای جدا کردن سرنوشت مردم کردستان از بقیه ایران و دنبال کردن سناریوهائی نظیر عراق و سوریه عملا به رسوائی و ازوا و طرد نیروهای متوهم به این سناریوها منجر خواهد شد.

با اینهمه روشن است شکست ناسیونالیسم خود بخود حاصل نمیشود. کارگران و توده مردم سرنگونی طلب در کردستان به نمایندگی و حزبی نیاز دارند که بیانگر گرایش عمیق آزادیخواهانه و برابری طلبانه آنان باشد، بر همسرنوشتی و همزمنی آنان با مردم سراسر ایران تاکید کند و مبارزات گسترده بخشهای مختلف جامعه در کرستان را بعنوان سنگر مهمی از مبارزات سراسری مردم ایران برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی سازمان بدهد و رهبری کند.

ایفای این نقش بدون نقد ناسیونالیسم در تمام اشکال بروز آن و بویژه آپوئیسم، و بدون نقد عمیق فدرالیسم و منطقه گرائی و قومی گرائی پست مدرنیستی ممکن نیست. حزب کمونیست کارگری این پرچم را برافراشته است و همه فعالین کمونیست را به مبارزه در این راه فرامیخواند.\*

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

ادامه در صفحه ۶



از صفحه ۶

## اوضاع سیاسی و احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان

مشترک احزاب ناسیونالیست کرد" در گرو خودآگاهی طبقه کارگر و بجلو راندن جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهانه آنها است.

بورژوازی کرد امروز همراه بخشهای مختلف حکومت اسلامی به وحشیانه ترین شیوه ممکن از قبل نیروی کار ارزان، و بیکاری گسترده در جامعه ثروت اندوزی میکند. هر سال به تعداد میلیاردهای کردستان افزوده میشود. دسته‌ای از سرمایه داران کرد با حکومت اسلامی در کشتن کولبران و استثمار وحشیانه آنها شریکند. در همین رابطه است که طبقه سرمایه دار با هر نوع ترمز کردن جنبش سرنگونی موافق و در توطئه مشترک احزاب ناسیونالیست کرد سهیم هستند. اگر پذیرفته ایم ناسیونالیسم جنبشی اجتماعی است، پس باید کارگران و فعالین چپ و پیشرو جامعه با بسیج جنبش طبقاتی خودشان در مقابل هجوم و توطئه و هر اقدامی که منافع انسانی و رهایی بخش جامعه را بخطر میاندازد بایستند و صف بندی و مبارزه رادیکال بدون سارش با آنها را سازماندهی کنند.

**ایسکرا:** در ارتباط با کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران درسهای ایندوره کدامها هستند؟

**نسان نودینیان:** جمع بندی نقش کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران اقدامی مهم و حاوی درسهایی برای فعالین چپ و کمونیست در شهرها است. کومله در یک پروسه طولانی مدت

استراتژیک تر بسمت هم جبهتی و زیر یک چتر قرار گرفتن با احزاب ناسیونالیست کرد می‌رود. متأسفانه شتاب پیشروی به این سمت کند نیست. چند مورد یکسال اخیر خود گویا است. همگرایی کومله با سازمانهای ناسیونالیستی و اسلامی در نشست ۳۶ گانه بروکسل و صحبت‌های ابراهیم علیزاده و تعدادی از اعضای رهبری کومله در تایید و توجیهات این همگرایی خود به افتضاح سیاسی این سازمان تبدیل شد. نشستهای کومله با پژاک و تایید بخشهای زیادی از استراتژی پژاک و کودار که بخشی از سناریوی آنها برای حفظ و ادامه بقا جمهوری اسلامی است و اخیراً سکوت معنی دار کومله در ارتباط با زدوبند "مرکز همکاری احزاب کردستان" با جمهوری اسلامی فاکت‌های جدیدی بر تایید این که کومله با کارهای استراتژیک در دایره احزاب ناسیونالیست قرار می‌گیرد می‌باشد. اما درسهایی که از نقش کومله باید گرفت سیاسی تر و عمیقتر است. کومله، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، در سالهای اخیر عملاً جناح چپ ناسیونالیسم را نمایندگی میکند. کومله عملاً با شعار "جنبش انقلابی کردستان" که در ادبیات و مباحث این سازمان تکرار میشود، در زمین ناسیونالیستها قدم گذاشته است. شعارهای "سوسیالیستی" کومله زیر چتر "جنبش انقلابی کردستان" سیاست و عملگرایی این سازمان را به احزاب ناسیونالیست نزدیک کرده است. شعار "جنبش انقلابی کردستان" از طرف کومله تلاشی است برای زیر یک چتر قرار دادن احزاب ناسیونالیستی، از احزاب

دوگانه دمکرات کردستان ایران و پژاک و باندهای سازمان زحمتکشان، تا خه بات اسلامی و جریانهای کوچک و مسلح اسلامی. در کردستان از ۴ دهه گذشته ما شاهد رشد و گسترش افق و جنبش سوسیالیستی هستیم. خواست و مبارزه مردم در کردستان بر محور خواستهای انسانی و رفاهی، مخالفت با میلیتاریزم، و علیه تبعیض و ستم بر زنان است. جنبش سوسیالیستی مردم در کردستان از دی ماه سال ۱۳۹۶ در ارتباط و هماهنگی محکمی با اعتراضات سراسری قرار گرفته است. استقبال وسیع معلمان از اعتصابات شرکت فعال و باشکوه معلمان کردستان در اعتصابات سراسری خود گواه قوی بودن جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهانه است. ایجاد چتر و قالب مشترک برای احزاب ناسیونالیست کرد توسط کومله تحت نام "جنبش انقلابی کردستان" همسویی و همسرنوشتی این سازمان و افق ناسیونالیسم را نمایندگی میکند و در جهت امتیاز دادن به احزاب ناسیونالیستی کرد است و به کسانی که خود را سمپات و هوادار کومله میدانند قطعاً لطمات قابل توجهی میزند، مرزبندی‌های طبقاتی و سیاسی با ناسیونالیسم و بورژوازی کرد را مخدوش و کند میکند. بازتاب موضع سیاسی کومله در ارتباط با نشست احزاب ناسیونالیست کرد در اطلاعیه آنها قابل مشاهده است. کومله در موضوعگیری سیاسی خود به "مرکز همکاری احزاب کردستان" چراغ سبز نشان داده است. سنگینی موضع کومله بطرف بندوبست و امتیاز دادن به "مرکز همکاری احزاب کردستان" است. کومله بیش از یکسال از این

نشست خبر داشته و خود نیز یکبار نشست مشترکی با طرف میانجی (سازمان نورف) در کشور آلمان داشته است، و با وجود اطلاع از این توطئه مشترک سکوت مطلق کرده است. نتیجه سیاسی سکوت بیش از یکسال کومله عملاً امتیاز دادن بطرف میانجی گر (نورف) و محقوظ نگه داشتن رابطه این سازمان (نورف) با احزاب ناسیونالیست بوده است. کومله بجای نقد جدی آنها و محکوم کردن این توطئه مشترک به آنها سازشکار میگوید. انگار بر سر یکی دو خواسته کوچک یا بزرگ این احزاب با جمهوری اسلامی بسازش رسیده اند، انگار از دی ماه ۹۶ بعد جنبش وسیع و گسترده ای در سطح سراسری و در ایران علیه حکومت اسلامی در جریان نیست. کومله چشم خود را بر این واقعیت سیاسی میبندد که حکومت اسلامی برای متوقف کردن این جنبش حداقل در کردستان احزاب ناسیونالیستی کرد را بکار گرفته است.

**ایسکرا:** "مذاکره آری یا نه؟"

**نسان نودینیان:** در ارتباط با کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران گفتم که کومله در وسط آری یا نه مذاکره قرار گرفته است (هر چند ارتباط احزاب ناسیونالیستی "مرکز همکاری احزاب کردستان" با جمهوری اسلامی در ظرفیت مذاکره نیست و ما به این روابط و نشست افتضاح سیاسی بند و بست و پادویی میگوییم). بقول حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران «پای میز مذاکره رفتن با جمهوری اسلامی و نشست و برخاست با این حکومت بویژه در چنین شرایطی اقدامی مستقیماً علیه مردم

است و نهایت راست روی و سازشکاری با حکومتی است که تحت چنین فشاری از جانب مردم قرار گرفته است. احزاب ناسیونالیست کرد دارند به سنت همیشگی خودشان عمل می‌کنند. با این فرق که امروز و در شرایط کنونی این حرکت بسیار ارتجاعی تر و عقب مانده تر است و کاملاً خاک پاشیدن در چشم مردمی است که بلند شده اند برای اینکه این حکومت را بزیر بکشند.» مشخص است که مذاکره از نظر ما شرایط ترمز جنبش سرنگونی است که مردم ایران بعنوان یک شعار اصلی و محوری بدست گرفته اند. در همین رابطه نظر خوانندگان ایسکرا و این مصاحبه را بخواندن مصاحبه کیوان جاوید با حمید تقوایی تحت عنوان: (( در مورد مذاکره احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی. گفتگوی تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی)) در سایت روزنه را جلب میکنم.

**ایسکرا:** پیام شما به کارگران در ارتباط با بند و بست احزاب ناسیونالیست کرد چیست؟

**نسان نودینیان:** استارت پیام ما را خوشبختانه محمود صالحی زده است. محمود صالحی کارگر شناخته شده ای برای کارگران است. او چهره ای توده ای در کردستان است. محمود صالحی با وجود اینکه در بستر بیماری است در ارتباط با بندوبست احزاب ناسیونالیستی کرد پیامی را منتشر و گفته است؛ اقدام جمهوری اسلامی کلاهبرداری علیه مردم کردستان و احزاب سیاسی است، گفته جواب رد به جمهوری اسلامی بدهید. ادامه در صفحه ۷

## خالی شدن نماز جمعه ها؛

### رژیم قدرت بسیج خودی ها را هم ندارد



خلیل کیوان

جمعه گذشته، چهارم مرداد ( ۲۶ ژوئیه) در آستانه چهلمین سالگرد برگزاری نماز جمعه، چند تن از امامان جمعه در شهرهای مختلف در خطبه های نماز جمعه از خلوت شدن نماز جمعه سخن گفتند. احمد خاتمی در خطبه های نماز جمعه در تهران گفت: "رسانه‌ها چه مکتوب چه فضای مجازی، نماز جمعه را تخریب نکنند، خوشحال نباشند که نماز جمعه خلوت شده است. الحمدالله صدا و سیما در میدان است".

ستونهای عمارت اسلامی شان پوسیده و در حال فرویزی است. نماز جمعه ها که بقول احمد خاتمی «تربیبون ولایت» است حتی خودی هایشان را هم بسیج نمیکنند. این را نمیتوان پنهان

قیام کنند ما را به دریا می‌ریزند". او هم به همین واقعیت اعتراف کرد؛ به اینکه حکومت شان پوشالی است و مردم در کمین شان هستند و سقوط شان قریب الوقوع است. اعتراف احمد خاتمی هم از همین جنس است. وی به فرو ریختن ستون های معنوی حکومت اعتراف میکند، به اینکه رژیم حتی قدرت بسیج خودی ها و مزدوران و عمله واکره اش را هم ندارد.

در بهمن ماه سال ۹۶ دو تن از خطیبان نماز جمعه یعنی احمد خاتمی و سید رضا اکرمی به ترتیب در گفتگو با شبکه تلویزیونی المنار و خبر آنلاین گلایه کردند که در تهران با ۱۰ میلیون جمعیت فقط ۲۰ هزار نفر در نماز جمعه شرکت میکنند. اکنون پس از گذشت یک سال و نیم از این اظهارات تعداد شرکت کنندگان در نماز جمعه بسیار کمتر از آنهم شده است. با این

احتساب که اکثریت شرکت کنندگان در نماز جمعه خودی و یا دولتی و ماموراند می توان حدس زد که رقم واقعی شرکت کنندگان در این مراسم چقدر ناچیز است. علیرغم پرورش چند صد هزار آخوند و سازمان دادن نیروهای بسیجی، سپاهی، امنیتی و اطلاعاتی و دیگر مزدوران و جیره خواران رژیم حکومت توان پر کردن میدان های نماز جمعه با ظرفیت چند صد نفره و یا چند هزار نفره را هم ندارد. حکومت حتی قدرت بسیج نیروهای خودی را هم از دست داده است. آه و فغان امامان جمعه برای خلوتی نماز جمعه ها به همین واقعیت اشاره دارد. خلوتی نماز جمعه انعکاسی از نفرت عمیق مردم از حکومت، رشد جنبش سرنگونی و ایجاد تزلزل در صفوف نیروهای مزدور آن است. علیرغم تشدید بگیر و ببندها و سرکوب فعالین

جنبش های سیاسی و اجتماعی و مدنی و صدور احکام زندان برای آنها و علیرغم تشدید فشار به زنان برای رعایت پوشش اسلامی، جامعه به مارش خود برای بزیر کشیدن حکومت ادامه میدهد. بی روحیه گی و درماندگی نیروهای رژیم و عدم توانایی برای بسیج نیروهای خودی برای نماز جمعه ها از اینجا ناشی میشود. هر چه تنفر مردم از رژیم بیشتر میشود و جنبش سرنگونی حلقه محاصره حکومت را تنگ تر میکند، این علائم بیشتر نمایان میشوند. خالی شدن "تربیبون ولایت" و آه و فغان احمد خاتمی و استمداد از صدا و سیما برای چاره جویی، نمایشی از وضعیت رو به احتضار حکومت است. جامعه عزم کرده است که کار رژیم را یکسره کند. این را کودن ترین نمایندگان حکومت هم متوجه شده اند.\*

از صفحه ۶

## اوضاع سیاسی و احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان

گفته شرایط اعتراضی و مبارزاتی تغییر کرده و خلاصه اعلام کرده که مردم به این بند و بست ها متوهم نشوند. این اقدام محمود صالحی یکی از توقعات ما در شرایط کنونی است. ما کارگران و معلمان، زنان و جوانان و فعالین مدنی و زیست محیطی را فرا میخوانیم که با انتشار پیام و ویدئو، بند و بست و افتضاح سیاسی احزاب ناسیونالیست کرد را محکوم کنند. شرایط «پو التهاب کنونی و قدرتمندی جنبش سرنگونی و اعتراضات مردم و کارگران در سطح

سراسری و میلیونی زمینه دخالت موثر و بسیج افکار عمومی را فراهم کرده است. کارگران در کردستان و سایر نقاط ایران همسرنوشت هستند، منافع طبقاتیشان یکی است، و دشمن مشترکشان جمهوری اسلامی و سرمایه داران هستند. نفس مبارزه کارگر علیه سرمایه دار ضد ناسیونالیسم است. بهمین دلیل ناسیونالیستها و احزاب آن همیشه کارگر را زیرمجموعه "ملت" و "قوم" قرار میدهند و حداکثر به "کارگر کرد" و "کارگر فارس" و امثالهم تبدیل میکنند تا بر تفرقه قومی و ملی بدمند که منبع تغذیه شان است. از اینرو در مناطقی مانند کردستان که بدلیل مساله ملی ناسیونالیسم و سازمانهای آن از حضور و

سابقه ای برخوردار هستند، کارگر علاوه بر جمهوری اسلامی با یک دشمن دیگر، یعنی ناسیونالیسم کرد، نیز مواجه است. از اینرو نقش فعالین و رهبران کارگری برای تحکیم همبستگی کارگری و عقب راندن ارتجاع ناسیونالیستی برجسته تر میشود.

**ایسکرا:** در خارج از کشور کدام کارها را در دستور دارید؟

**نسان نودبنیان:** با گرم شدن بحث بند و بست احزاب ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی طیف وسیعی از نیروهای چپ و کمونیست با واکنش های سریع و بموقع خوب، سیاسی و در جهت محکومیت بند و بست احزاب ناسیونالیست برداشتند و در

ادامه این عکس العملها طوماری با امضا صدها نفر از مبارزین کمونیست و انقلابی علیه بند و بست و در محکومیت آن در جریان است. دو کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران و کمیته کردستان حزب حکمتیست اطلاعاتیه مشترکی علیه بند و بست احزاب ناسیونالیست و سکوت کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) منتشر کردند. در داخل کشور تعداد زیادی از مردم و فعالین سیاسی و مدنی و خانواده های جانبختگان با ارسال نامه و طومارهای اعتراضی علیه بند و بست احزاب ناسیونالیست موضع گرفته اند. اوضاع سیاسی در ایران با التهاب بالایی در جریان است. مردم در سطح

میلیونی علیه بیکاری و گرانی و حاکمیت رژیم جنایتکار اسلامی ایستاده ند. مردم جمهوری اسلامی و دستگاه مافیایی مذهب و دزدهای میلیاردی را نمیخواهند، هر اقدام و سیاستی که علیه پیشروه های مردم برای سرنگونی و بزیر کشیدن جمهوری اسلامی باشد را نمیپذیرند. نیرو و انرژی بالایی هم اکنون در حال شکوفایی و قدرتگیری است. باید از این موقعیت بیشترین استفاده را کرد و موجبات سازماندهی وسیع کارگران و مردم را بوجود آورد. توقع و پیام ما این است که کارگران و مردم در سطح وسیع به حزب ما حزب کمونیست کارگری بپیوندند.

**ایسکرا ۹۹۸**

## وکلائی دستگیر شدگان هفت تپه: دادگاهتان را علنی برگزار کنید

گفتمان اداره شورایی که اسماعیل بخشی بر آن تاکید کرد بازتاب اجتماعی وسیعی پیدا کرده است. خواست دادگاه علنی برای دستگیر شدگان پژواک گسترده ای پیدا کرده است. این گفتمان ها و کارزارها و جنبش آزادی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر دستگیر شدگان هفت تپه و دفاع از خواسته های کارگران نیشکر هفت تپه را باید هرچه بیشتر و فعالانه تر در داخل کشور و در سطح جهان گسترش داد. باید با گسترش جنبش هفت تپه کاری کرد که جمهوری اسلامی ناچار شود از تشدید فشار بر دستگیر شدگان هفت تپه و کل زندانیان سیاسی دست بردارد. تردیدی نباید داشت که در فضای اعتراضی جامعه میتوان با کمپینهای دفاع از دستگیر شدگان هفت تپه آنچنان فشاری بر حکومت گذاشت که ناچار شود اسماعیل بخشی و همه دستگیر شدگان را بدون قید و شرط آزاد کند و جنبش آزادی زندانیان سیاسی یک گام اساسی به جلو بردارد. سرنگون باد جمهوری اسلامی!

پیش به سوی  
تشکیل شوراها  
حزب کمونیست  
کارگری ایران  
۹ مرداد ۱۳۹۸،  
۳۱ ژوئیه ۲۰۱۹

سران منفرش ممکن نیست. با اعتراضات نیشکر هفت تپه و سخنان آتشین اسماعیل بخشی چهره ضد کارگری و ضد انسانی و چپاولگر جمهوری اسلامی بیش از پیش برای دنیا روشن و شناخته شد و مورد اعتراض قرار گرفت. و نه فقط این، یک جنبش و یک همبستگی فعال و رادیکال و انسانی با کارگران ایران در سطح جهان شکل گرفته و هرروز ابعاد وسیعتری به خود میگیرد.

این جنبش گلوی جمهوری اسلامی را گرفته است و بر آزادی همه دستگیر شدگان هفت تپه و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تاکید دارد. حکومت اسلامی با زندانی کردن دستگیر شدگان هفت تپه نتوانسته است صدای هفت تپه و مردم معترض را خاموش کند و برعکس بیش از پیش زیر فشار اعتراضات در داخل ایران و در سطح جهان قرار دارد و در عین حال جرات آزاد کردن دستگیر شدگان را هم ندارد زیرا با آزادی دستگیر شدگان هفت تپه شکست کامل خود را می بیند. به همین دلیل است که بخود می پیچد و راهی برای خلاصی از این معضل پیدا نمیکند. کارزارهای متعددی در دفاع از اسماعیل بخشی و برای آزادی همه دستگیر شدگان هفت تپه جریان دارد.

شان یافتند و نفرت مردم را علیه خود بیشتر کردند؟ چه چیزی دارند بگویند جز اینکه دفاع از انسانیت و کارگر در زیر حاکمیت مافیای چپاولگر حاکم جرم و گناه است؟ نمایندگان و مدافعان حکومت اسلامی یک جمله قابل قبول در دفاع از دستگیری این انسانهای شریف ندارند که علنا بیان کنند. جز همان اراجیف نفرت انگیزی که قبلا گفته اند و با اعتراض عمومی مواجه شده اند. اما نفس گفتمان دادگاههای علنی یک گفتمان مهم و تعرضی دیگر به سیاست سرکوب و بگیر و ببند و توطئه گریهای پشت پرده حکومت است و باید از ان حمایت کرد و آنرا بازتاب و گسترش داد.

هفت تپه امروز یک جنبش انسانی بالنده است. هفت تپه صدای طبقه کارگر آگاه و اداره شورایی و حق طلبی کارگری است. هفت تپه برای حکومت اسلامی به معضلی کشنده تبدیل شده است. با زندان و شکنجه و فشار بر اسماعیل بخشی و علی نجاتی و سپیده قلیان و نویسندگان نشریه گام، و محاکمه و محکوم کردن آنها قطعاً خشم و نفرت کارگران و فشار هفت تپه بر حکومتیان شدت بیشتری خواهد یافت. خلاصی از هفت تپه و جنبشی که با نام اسماعیل بخشی عجین شده است، برای این حکومت و ایادی و قضات و پاسداران و

قلبشان با نیشکر هفت تپه و اسماعیل بخشی است تبدیل شده است. او را نیز در زندان و در شرایطی غیر انسانی نگه داشته اند. ساناز الهیاری و امیر امیرقلی و امیر حسین محمدی فرد هم به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده اند. گناه آنها نیز همان است که به ستمگری مافیای حاکم علیه کارگران و مردم اعتراض کرده اند. اکنون حکومت اسلامی میخواهد این انسانهای شریف را در دادگاه "عدل" حاکمین محاکمه و محکوم کند.

وکلائی اسماعیل بخشی و سپیده قلیان خانم فرزانه زیلابی و آقای جمال الدین حیدری منش در اعلامیه ای خطاب به حکومت اعلام کرده اند که شما در یک برنامه یک سوبه تحت نام "طراحی سوخته" که از صدا و سیما حکومت پخش شده به موکلین ما اتهامات زیادی زده اید. و قانون خودتان هم میگوید دادگاه باید علنی باشد. پس بگذارید دادگاه علنی برگزار شود تا جامعه ببیند که آنها چه کرده اند و شما چه کرده اید. این جوهر کلام این دو وکیل است. روشن است که حکومت اسلامی جرات برگزاری علنی دادگاه کذابیش را ندارد. چه چیزی دارند علیه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان بگویند جز همان اراجیف مضحکی که در "طراحی سوخته" کذایی

جمهوری اسلامی میخواهد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و دیگر دستگیر شدگان مرتبط با نیشکر هفت تپه را روز ۱۲ مرداد دادگاهی کند. روشن است که با معیارهای شناخته شده بشر متمدن دادگاهی در کار نیست. قرار است یک طرفه و مخفیانه آنها را به محاکمه بکشند و اتهامات ساختگی ای را به آنها منتسب کنند و به زندانی کردن آنها رسمیت دهند و آنها را محکوم کنند. اسماعیل بخشی رهبر اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه حرفهایش را روشن در برابر مردم زده است و همه میدانند که چه گفته است و چه خواسته است. او از حقوق پایه ای و انسانی کارگران در برابر چپاولگران حاکم دفاع کرده است. او به یک تازی حاکمین سرکوبگر اعتراض کرده و از اداره شورایی دفاع کرده است. او غارت دسترنج کارگران توسط مافیای سرمایه داری را محکوم کرده است. او خواهان زندگی انسانی برای کارگران هفت تپه و همه کارگران و مردم شده است. اینها و امثال اینها گناه او در پیشگاه "عدالت" حاکمین است. به همین گناه چندین ماه است که در زندان زیر فشار شدید قرار دارد. سپیده قلیان دختر جوانی است که از کارگران نیشکر هفت تپه و خواسته های آنها حمایت کرده است. او به صدای میلیونها مردم ایران که



**WE STILL NEED MARX**  
**TO CHANGE THE WORLD**



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker Communist Party of Iran  
www.wpiran.org



## جنایتکاران آرامش نخواهند داشت

باید مدام جلو چشمشان گرفت و عرصه را هرچه بیشتر بر آنها تنگ کرد. هیچ موردی از جنایات حکومت در طول چهل سال گذشته نه فراموش میشود و نه قابل بخشش است. حکومت اسلام را باید به زیاله دان انداخت و پورمحمدی ها و رازینی ها و روسای جنایتکارشان را باید در دادگاه های علنی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد. مردم حکومتی انسانی، حکومتی بر پایه آزادی، عدالت و برابری و رفاه میخواهند و با سرنگونی جمهوری اسلامی آنرا برپا خواهند داشت.

**حزب کمونیست**  
**کارگری ایران**  
**۹ مرداد ۱۳۹۸**  
**۳۱ ژوئیه ۲۰۱۹**

مختلفی که در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه سیستم قضایی شکل گرفته پیوست. اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری را باید گسترش داد. همبستگی با مبارزات بخش های مختلف جامعه را باید تقویت کرد. بیحجابی را گسترش داد و کل منجلاب اسلامی را بر سر بانیانش خراب کرد. باید برای خیزش میلیونی بعدی برای سرنگونی حکومتی که با جنایت زاده شد و با جنایت به حیات خود ادامه داده است، آماده شد. دوره تعرض به حکومت و جانپاشی مدتهاست شروع شده است. راه فراری برای مشتکی خبیث و دزد و فاسد و جانی وجود ندارد. لیستی از جانیان دو خردادی و غیر دو خردادی و کارنامه سراپا جنایاتشان را

رجزخوانی حکومتی مستاصل و جنایتکار است که از همه طرف خود را تحت فشار جامعه احساس میکند. در چنین فضایی است که یکی در مورد حرمت! زندانیان دستورالعمل صادر میکند، یکی خمینی را عامل جنایات جنگی معرفی میکند، یکی کشتار دهه شصت را توجیه میکند و عده ای نیز اعتراف میکنند که اصلا نباید مرتکب کشتار زندانیان در تابستان ۶۷ میشدند.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در داخل و خارج کشور را باید گسترش داد. سیستم قضایی و قضات و حاکمان شرع و قوانین قرون وسطایی شان را باید زیر ضرب گرفت. جنبش دادخواهی را باید هرچه بیشتر توده ای کرد. باید به کارزارهای

درآوردن و اسیدپاشی به صورت زنان است.

نکته مهم اما این است که فشار جامعه، سر بلند کردن جنبش های اعتراضی، تحرکی که در دفاع از زندانیان سیاسی شکل گرفته، جنبش دادخواهی، فضای تعرض به سیستم قضایی جمهوری اسلامی و خشم و نفرت عمیق مردم از این حکومت چنان قدرتمند است که گریبان حکومت و جنایتکارانش را رها نخواهد کرد. پورمحمدی ها، رئیسی ها و رازینی ها و سایر مقامات ریز و درشت حکومت میدانند و تردیدی ندارند که حکومتشان آینده ای ندارد و در آینده ای نزدیک به جرم جنایات بیشمار علیه مردم، به محاکمه کشیده خواهند شد. صحبت پورمحمدی اعلام شهامت در جنایت نیست،

اخیرا پورمحمدی و رازینی از مقامات جمهوری اسلامی دهن باز کرده اند تا با وقاحت و بیشرمی نقش خود و سایر سران حکومت در جنایات دهه شصت را توجیه کنند. پورمحمدی که در کمیته مرگ جمهوری اسلامی یکی از مسئولین قتل عام بیسابقه در دهه شصت است، رسماً اعتراف میکند که در جمهوری اسلامی انتظار رعایت ساده ترین رفتار انسانی در جنگ و با زندانیان سیاسی بی معنی است. و البته جنایتکارتر از پورمحمدی، خمینی و خامنه ای و رفسنجانی و روحانی و سایر مقاماتی بوده اند و هستند که به او و خلخال و لاجوردی و مشتکی قاتل حرفه ای دستور آدمکشی دادند. اما جمهوری اسلامی همین است. قابل بزک کردن نیست. این حکومت اعدام و سنگسار و دست بردن و چشم

**KANAL JADID**  
**کانال جدید**

**فرکانس تلویزیون کانال جدید**  
**ماهواره یاه ست**  
**فرکانس : 11766**  
**پولاریزاسیون : عمودی**  
**سیمبل ریت : 27500**  
**اف ای سی : 5/6**

# کارزار جهانی علیه جمع آوری خشونت آمیز کودکان کار و نگهداری آنها در شرایط غیر انسانی

## تحصیل رایگان و زندگی شاد و امن حق همه کودکان است



کار و خیابانی پاکسازی شده‌اند و خبرها حاکی از ادامه دستگیری کودکان کار است. این فاجعه تراژیک انسانی باید فوراً متوقف شود.

طرح وحشیانه جمع آوری کودکان کار و خیابان با وقاحتی آشکار تحت عنوان زیباسازی شهرها و به اسامی مختلفی چون "ساماندهی" و "جذب" اجرا میشود. در عین حال حکومت سعی میکند چهره رسیدگی به وضعیت کودکان کار را به خود بگیرد و این طرح را تحت پوشش معرفی داوطلبانه کودکان و با پز تشکیل پرونده حمایتی برای آنان انجام دهد. در این میان کودکان کار افغانستانی را برای اخراج از ایران راهی مرز میکنند.

جمع آوری کودکان کار توسط جمهوری اسلامی یک سیاست فاشیستی است که حکومت اسلامی در پیش گرفته است. در برابر این بربریت و توحش موج اعتراضی گسترده‌ای در میان مردم در ایران به پا شده است. از جمله از سوی نهادهای دفاع از حقوق

کودک بیانیه‌ای تحت عنوان "نه به جمع آوری کودکان کار" منتشر شده است که ۵۲ تشکل دفاع از حقوق کودک آترا امضا کرده اند. بعلاوه بیش از هزار و ششصد نفر از فعالین اجتماعی این بیانیه را امضا کرده اند. همچنین جنبشی اعتراضی در میان معلمان در اعتراض به اجرایی شدن چنین طرحهایی و با خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان به راه افتاده است که کل جامعه را به اعتراض علیه پرداخت پول

این سی و پنجمین بار است که جمهوری اسلامی دست به کار اجرای چنین طرح جنایتکارانه ای شده است. اما اکنون با فلج شدن وضعیت اقتصادی این حکومت، اجرای آن ابعاد وحشیانه تری به خود گرفته است. گزارشات از شرایط بسیار وخیم زیستی، بهداشتی و قرار گرفتن این کودکان در معرض انواع خشونت ها و تجاوز جنسی و قرار گرفتن آنها در کمین باندهای مافیایی مواد مخدر حکایت میکند.

جمهوری اسلامی برای منحرف کردن افکار عمومی کودکان کار و خیابان را مافیا خوانده و با هزار نوع تحقیر و توهین و تراشیدن سر با آنها همچون زندانیان خطرناک رفتار میکند و در قرنطینه های خود آنها را محبوس کرده و حق خروج را از آنان سلب میکند. به شکلی که نهایتاً یکی دو ساعت در روز در حیاط به آنها اجازه هواخوری داده میشود و حتی گاهی حق تماس با خانواده و خویشاوندانشان را از آنها سلب میشود.

به گفته انوشیروان محسنی بندپی استاندار تهران در روز آغاز این طرح در ۱۲ ژوئن ۲۴۹ هزار کودک کار را جمع آوری کرده اند که ۱۸۹ هزار آنها کودکان افغانستانی بوده اند. بر اساس این طرح کودکان افغانستانی که فاقد هویت و شناسنامه هستند رد مرز میشوند. رهادی فرماندار تهران تحت عنوان «پاکسازی چهارراهها از کودکان کار اعلام میکند که در حال حاضر بین ۶۰ تا ۷۰ درصد چهارراهها از کودکان

آمار دقیقی از شمار واقعی کودکان کار و خیابان در ایران در دست نیست. اما در گزارشات رسمی حکومت از ۳ تا ۷ میلیون کودک کار گزارش شده است. در حالیکه ابعاد فقر و فلاکت در جامعه گسترده تر میشود، هر روز کودکان بیشتری از تحصیل محروم میشوند و به صف گسترده کودکان کار می پیوندند. جمهوری اسلامی به جای پاسخگو بودن به این فاجعه عظیم انسانی که خود مسبب آنست، میکوشد صورت مساله را از چهره شهرها پاک کند و وانمود کند که در ایران کودکان کار وجود ندارند.

روز ۱۲ ژوئن ۲۰۱۹، همزمان با روز جهانی مقابله با کار کودک، رژیم اسلامی طرح جمع آوری کودکان کار را به اجرا گذاشت. بر اساس این طرح کودکان کار و خیابان با زور و خشونت از خیابانها جمع آوری شده و در قرنطینه هایی از جمله یاسر، بعثت و شهدای افسریه در شرایط زندان نگاهداری میشوند. فرمانداری و شهرداری و پلیس جمهوری اسلامی مسئولین اجرای این طرح هستند و با کمین گذاشتن در خیابانها و با توسل به زور کودکان را سوار خودروهای خود کرده و آنها را به مراکز معینی گسیل میکنند. در این مراکز شمار زیادی کودک در شرایط غیر انسانی و بدون فضای کافی نگهداری میشوند. گزارشهایی گویای اینست که در بعضی مراکز به اندازه پنج برابر ظرفیت آنها کودکان را زندانی کرده اند و امکان خواب و استراحت و زندگی معمول ندارند.

۴- همه کودکان مستقل برای ثبت نام کودکان در مدارس فراخوانده است.

ما امضا کنندگان این بیانیه وظیفه خود میدانیم که صدای اعتراض این کودکان و مردم ایران باشیم. ما کارزار متوقف کردن طرح "جمع آوری" کودکان را در سطح جهانی اعلام کرده و بر نکات زیر تاکید میکنیم:

۱- ما طرح غیر انسانی جمع آوری خشونت آمیز و اجباری کودکان در ایران را قاطعانه محکوم میکنیم. اجرای این طرح باید فوراً متوقف شود.

۲- اجرای سیاست جمع آوری کودکان کار و خیابان، رد مرز کردن کودکان کار و خیابان افغانستانی، سیاستی تماماً فاشیستی است و برابر با زیر پا گذاشتن کنوانسیونهای بین المللی در قبال حقوق کودک است. اجرای این سیاست از سوی جمهوری اسلامی تأکیدی بیشتر بر اخراج آن از سازمان جهانی کار و تمامی نهادهای بین المللی است.

۳- ما از کارزار معلمان برای حق تحصیل رایگان برای همه کودکان قاطعانه حمایت میکنیم. دولت در قبال زندگی و معیشت کودکان کار و خانواده هایشان مسئول است.

کمپین برای آزادی  
کارگران زندانی (Free  
Them Now )  
نهاد کودکان مقدمند  
(Children First Now)  
۲۶ ژوئیه ۲۰۱۹